

ارتباط زیارت عاشورا و امام زمان (عج) چیست؟ آیا کربلا و ظهور در یک خط قرار دارند؟

پیوند زیارت عاشورا و امام زمان؛ راز گذر از مقام عزادار به منتظر

زیارت عاشورا و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) دو نام و حقیقت مقدس در ذهن و قلب شیعه هستند که گاهی جدا از هم تصور می‌شوند، اما در باطن پیوندی جدایی‌ناپذیر دارند. بسیاری از افراد، زیارت عاشورا را تنها متنی برای یادآوری واقعه کربلا و عزاداری بر مصائب امام حسین (علیه‌السلام) می‌دانند؛ درحالی‌که حقیقت این زیارت بسیار فراتر است. زیارت عاشورا فراتر از یک روایت تاریخی، پیمانی برای امروز و آینده بشر است؛ پیمانی که انسان را به امام زنده و مسئولیت‌هایش در عصر غیبت پیوند می‌زند.

اگر به محتوای زیارت عاشورا دقت کنیم، می‌بینیم که در کنار لعن‌ها و سلام‌ها، فرازهایی وجود دارد که مستقیم انسان را به تعهدی برای آینده دعوت می‌کند. در این زیارت، گریه بر گذشته با عهدي برای آینده گره خورده است. اشک بر امام حسین (علیه‌السلام) تنها وقتی معنا دارد که به بیداری و مسئولیت‌پذیری در برابر امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) منجر شود. همین پیوند است که زیارت عاشورا را از سطح یک متن احساسی بالا می‌برد و به مدرسه‌ای تربیتی برای ساخت انسان منتظر تبدیل می‌کند.

زیارت عاشورا به ما یاد می‌دهد که مصیبت اصلی کربلا تنها شهادت امام حسین (علیه‌السلام) نبود، بلکه کنار گذاشتن امام معصوم از جایگاه هدایت بود؛ زخمی که تا امروز و در عصر غیبت همچنان باقی است. وقتی این حقیقت روشن شود، انسان درمی‌یابد که خود او نیز در این مصیبت شریک است؛ زیرا جامعه‌ای که امام در آن غایب باشد، جامعه‌ای یتیم و محروم از زندگی حقیقی است؛ پس هر بار خواندن زیارت عاشورا فرصتی برای بازشناسی هویت حقیقی خود و یادآوری این است که ما هنوز در برابر امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) وظیفه‌ای بزرگ داریم.

پیوند زیارت عاشورا و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) یک پیوند صرفاً اعتقادی یا احساسی نیست؛ بلکه نقشه راهی برای زندگی شیعی است. زیارت عاشورا به ما یاد می‌دهد که **عزاداری حقیقی** تنها در گریه و سوگواری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باید به عهدي برای یاری امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و آماده‌سازی جامعه برای ظهور

منجر شود. اینجاست که اشک بر گذشته به حرکت برای آینده تبدیل می‌شود و انسان از سطح یک سوگوار به مقام یک منتظر آگاه ارتقا پیدا می‌کند.

چرا زیارت عاشورا بدون درک ارتباط آن با امام زمان (عج) ناقص است؟

زیارت عاشورا در نگاه نخست متنی آیینی و مجموعه‌ای از سلام‌ها و لعن‌هاست که مخاطب را به فضای کربلا می‌برد؛ اما اگر این زیارت را صرفاً در چهارچوب وقایع سال شصت و یک هجری تفسیر کنیم، نیمی از حقیقت آن پنهان می‌ماند. زیارت عاشورا و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) دو حقیقت جدایی‌ناپذیرند. حادثه کربلا فقط شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یاران ایشان نبود؛ بزرگترین فاجعه این بود که امام معصوم از جایگاه رهبری جامعه کنار گذاشته شد؛ در واقع کربلا نه تنها یک تراژدی خونین، بلکه پس از غدیر نقطه سقوطی دیگر در تاریخ بشر است. این مصیبت هنوز امروز ادامه دارد، زیرا در عصر غیبت نیز جامعه از هدایت آشکار امام زنده محروم است؛ بنابراین وقتی در زیارت عاشورا اشک می‌ریزیم، این اشک فقط برای گذشته نیست؛ بلکه برای وضعیت کنونی بشر برای جامعه‌ای است که بدون امام، در ظلم و سرگردانی به سر می‌برد.

اگر زیارت عاشورا فقط به عزاداری محدود شود، کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهد. گریه و عزاداری بدون پیوند با انتظار، تنها در حد تخلیه هیجانی باقی می‌ماند؛ اما وقتی بفهمیم که خون‌خواهی امام حسین (علیه‌السلام) تنها با امام منصور، یعنی امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، تحقق می‌یابد، نگاه ما تغییر می‌کند. اشک بر گذشته باید به عهده‌ای برای آینده تبدیل شود. زیارت عاشورا به ما می‌آموزد که عزاداری واقعی همان مسئولیت‌پذیری در برابر امام زنده است؛ مسئولیتی که در زندگی فردی با عبادت هدفمند و در زندگی اجتماعی با ایستادگی در برابر ظلم و فساد بروز پیدا می‌کند.

^۱ وَ لَعْنُ اللّٰهُ اُمَّةً دَفَعْنٰكُمْ عَنْ مَّقَامِكُمْ وَاَزَالَتْكُمْ عَنْ مَّرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبْنٰكُمْ اللّٰهُ فِيْهَا؛ و خدا لعنت کند مردمی را که کنار زدند شما را از مقام مخصوص‌تان و دور کردند شما را از آن مرتبه‌هایی که خداوند آن رتبه‌ها را به شما داده بود.

اگر ارتباط زیارت عاشورا و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) نادیده گرفته شود، زیارت ناقص خواهد بود. عاشورا بدون مهدویت بی‌ثمر است و مهدویت بدون عاشورا بی‌ریشه! این پیام اصلی این زیارت است؛ پیامی که انسان منتظر را از سطح یک سوگوار به سطح یک فرد مسئول ارتقا می‌دهد.

بستری برای تربیت انسان منتظر، در عصر غیبت

زیارت عاشورا تنها یک متن عبادی برای رسیدن به ثواب فردی نیست؛ بلکه منشوری تربیتی است که انسان را در مسیر انتظار فعال قرار می‌دهد. در این زیارت، اشک و عاطفه با عهد و مسئولیت گره خورده است. همین ترکیب است که آن را از سطح یک دعا و مرثیه فراتر برده و به مدرسه‌ای برای تربیت انسان منتظر در عصر غیبت تبدیل می‌کند. این مدرسه، انسان را با حقیقت خود آشنا می‌کند، مسئولیت تاریخی او را یادآور می‌شود و او را برای یاری امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) آماده می‌سازد.

در ابتدای زیارت عاشورا، امام حسین (علیه‌السلام) با عنوان «ثارالله» معرفی می‌شوند.^۲ منظور از خون خدا، خون جسمانی نیست؛ بلکه حقیقتی است که مایه حیات انسان است. حضور امام معصوم جریان‌دهنده زندگی حقیقی بشر است و با حذف ایشان، جامعه به مرگ معنوی دچار می‌شود. این فهم، نقطه آغاز تربیت در زیارت عاشوراست.

در این زیارت دو تعبیر کلیدی درباره خون‌خواهی امام حسین^۳ (علیه‌السلام) و خون‌خواهی خود انسان^۴ نیز آمده است. شاید این سؤال پیش بیاید که من که در کربلا نبودم، چرا باید خون‌خواه خود باشم؟ پاسخ این سؤال در معرفت نفس نهفته است. حقیقت روح ما از نور اهل بیت (علیهم‌السلام) است و وقتی امام از صحنه هدایت حذف شود، ما نیز از پدر آسمانی خود جدا می‌شویم و استعدادهای مان برای رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی نابود می‌شود؛ پس خون ما هم ریخته شده است؛ بنابراین بیان «طَلَبَ ثاری» در زیارت عاشورا یعنی طلب

^۲ اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ

^۳ اَنْ یَرْزُقَنِی طَلَبَ ثَارِکَ مَعَ اِمَامٍ مَّنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِیْهِ

^۴ اَنْ یَرْزُقَنِی طَلَبَ ثَارِی مَعَ اِمَامٍ هُدًی

بازگشت مربی و پدر آسمانی خود را دارم.

انسان همان‌طور که به دنبال رزق مادی است، باید خون‌خواهی را هم روزی خود بداند. با بیان فراز «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي» در حقیقت اعتراف می‌کنیم که بدون امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) زندگی انسانی ما ناقص است و رزق حقیقی ما حضور و حاکمیت ایشان است.

اینجاست که ارتباط زیارت عاشورا و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) روشن می‌شود. انتقام حقیقی خون امام حسین (علیه‌السلام) زمانی گرفته می‌شود که امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بیایند و **حاکمیت معصوم** در جامعه برقرار شود. در آن هنگام، هم امام حسین (علیه‌السلام) به زمین بازمی‌گردند و هم حیات انسانی دوباره جریان می‌یابد؛ پس زیارت عاشورا دست ما را از سال شصت و یک هجری می‌گیرد و به آینده، یعنی دوران ظهور، می‌برد. اگر گریه بر عاشورا تنها به ابراز احساسات ختم شود، عزاداری ما ناقص می‌ماند. اما وقتی اشک به طلب خون‌خواهی و آمادگی برای ظهور تبدیل شود، انسان از مقام «عزادار» به مقام «منتظر» می‌رسد؛ مقامی که با عهد، مسئولیت و آمادگی همراه است. اینجاست که زیارت عاشورا انسان را از عزاداری صرف به حرکت آینده‌ساز برای یاری امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) می‌برد.

زیارت عاشورا و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) دو مسیر جداگانه نیستند؛ بلکه حقیقتی یگانه هستند که یکدیگر را کامل می‌کنند. زیارت عاشورا ما را نسبت به ریشه مصیبت آگاه می‌کند؛ اینکه بزرگترین فاجعه تاریخ، حذف امام از جایگاه هدایت بود. امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) نیز پاسخ و راه نجات همین مصیبت هستند؛ ظهور ایشان به معنای بازگشت امام به محور زندگی بشر است؛ اگر این پیوند درک نشود، زیارت عاشورا تنها به عزاداری احساسی تقلیل می‌یابد و انتظار هم به آرزویی مبهم تبدیل خواهد شد.

انسانی که زیارت عاشورا را درست بفهمد، می‌داند که گریه بر امام حسین (علیه‌السلام) تنها آغاز راه است. این گریه باید به عهدي برای آینده، مسئولیتی برای یاری امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و حرکتی برای آماده‌سازی جامعه تبدیل شود.

شما چه ارتباطی میان زیارت عاشورا و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) می‌بینید؟ آیا کشف این ارتباط، تغییری در نگاه و سبک زندگی شما ایجاد کرده است؟ تجربه و نظر خود را با ما در میان بگذارید.